

# از نيمروز تا امروز

تأليف:

امير مير

تابستان ۱۳۹۷



انتشارات آوای نيزار



## این اثر تقدیم می‌شود به:

- شهدای گرانقدر اسلام و امام شهدا (ره) به‌ویژه شهدا، جانبازان و ایثارگران روستاهای جزینک، صفدر میربیک و حومه که در جبهه‌های جنگ تحمیلی و در دفاع از مرزهای میهن اسلامی با نثار جانشان حماسه آفریدند.
- پدرم «حاج محمدحسن میر» که به‌اذن الله از صلب او بوجود آمدم و با لقمه‌ی حلال مرا در مسیر دین قرار داد.
- مادرم «بانو خان‌بی بی نارویی» که به‌اذن الله در دامن پاک وی رشد یافتم. او که با تحمل محنت و مرارت اما با عشق مرا پرورش داد.
- همسرم «سرکار حاجیه خانم زهره میر» معلم فرهیخته‌ای که صبورانه سختی‌های ناشی از زندگی سیاسی و پراز فراز و نشیبم را تحمل نمود و بستر آرامی را در هنگام نگارش این اثر برایم فراهم ساخت.

## یادآوری:

أَحَبُّ إِخْوَانِي إِلَيَّ مَنْ أَهْدَى إِلَيَّ عَيْبِي .

(امام صادق علیه السلام)

نباید ماها گمان کنیم که هر چه می‌گوییم و می‌کنیم، کسی را حق اشکال نیست. اشکال، بلکه تخطئه یک هدیه الهی است برای رشد انسان‌ها.

(امام خمینی (ره) )

مطمئناً این اثر به لحاظ شکلی، محتوایی و غیره دارای اشکالات و عیوبی خواهد بود؛ که ممکن است از چشم نگارنده و عوامل چاپ و نشر بدورمانده باشد، لذا موجب امتنان است خوانندگان و محققین ارجمند با دقت نظری که خواهند داشت مرا از ارشادات، رهنمودها و نقد سازنده خود بهره‌مند سازند. ایضاً چنانچه ایرادات و اغلاط فاحشی یافتند، به هر شکل ممکن به نگارنده منعکس نمایند تا انشاءالله به شرط زنده بودن آن را در چاپ‌های بعدی برطرف نمایم.

نگارنده

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۹	کلام اول
۲۶	بخش اول: زادگاه و تبار من
۲۷	موقعیت جغرافیایی جزینک
۲۹	سیمای جزینک
۲۹	نخل جزینک
۳۰	نهر جزینک
۳۱	نهربولاغ
۳۱	باغات جزینک
۳۱	مزارع جزینک
۳۲	جنگل جزینک
۳۲	شیوه سکونت‌گاهی جزینک
۳۳	معماری منازل روستای جزینک
۳۴	مسجد جزینک
۳۶	دبستان زال جزینک
۳۸	پاسگاه ژاندارمری جزینک
۳۹	بخشداری جزینک
۴۰	جاده شوسه جزینک
۴۰	دبستان دخترانه جزینک
۴۰	بهداری جزینک
۴۱	شرکت تعاونی روستایی جزینک
۴۱	مهد کودک جزینک
۴۱	شبکه آب بهداشتی جزینک
۴۲	شبکه برق جزینک
۴۲	آسیاب دیزلی جزینک
۴۳	بانک صادرات جزینک
۴۳	حمام عمومی جزینک

- ۴۳.....غسالخانه جزینک
- ۴۳.....سرویس بهداشتی عمومی جزینک
- ۴۴.....طوایف جزینکی
- ۴۴.....محدوده جغرافیای سیاسی، انسانی و طبیعی جزینک
- ۴۵.....روستای صفدر میربیک
- ۴۶.....پیشینه تأسیس و بنیانگذار روستای صفدر میربیک
- ۴۷.....پیشینه تاریخی جزینک
- ۶۲.....وجه تسمیه جزینک
- ۶۸.....تاریخ بنا و تأسیس مدرسه محمودی یا کندرک (جزینک)
- ۸۷.....سادات جزینک
- ۹۴.....آخرین نسل از سادات مدرسه
- ۹۶.....بزرگان و رجال سیاسی - مذهبی منطقه و دهستان جزینک
- ۹۷.....ملک شاه محمود بن شاه علی کیانی
- ۹۷.....ملک شاه علی کیانی
- ۹۸.....ملک شاه محمود کیانی
- ۹۸.....ملک شاه ابواسحاق کیانی
- ۹۸.....ملک شاه محمد
- ۹۹.....ملک غیاث الدین محمد
- ۱۰۰.....ملک حیدر
- ۱۰۰.....ملک الملوک نجم الدین محمود سیستانی
- ۱۰۱.....ملک جلال الدین محمود
- ۱۰۱.....ملک شاه حسین سیستانی
- ۱۰۳.....میراعظم امیرغیاث الدین محمد
- ۱۰۳.....سیدمحمدحسینی شیخ الاسلام سیستان
- ۱۰۴.....قاضی میرسیدعبدالله کندرکی
- ۱۰۵.....رکن الشریعه
- ۱۰۶.....آیت‌الله‌العظمی سیدعلی مجتهدی سیستانی
- ۱۰۸.....آیت‌الله‌العظمی سیدزینالعابدین سیستانی
- ۱۰۹.....آیت‌الله سید محمد باقر مجتهدی سیستانی
- ۱۱۱.....آیت‌الله‌العظمی سیدعلی سیستانی(دام ظلّه)
- ۱۱۴.....آیت‌الله‌حاج‌سیدحسن‌درافشان‌سیستانی

- ۱۱۸ ..... آیت الله سید محمود سیستانی  
 ۱۱۹ ..... ملا عباس بندانی  
 ۱۲۰ ..... آیت الله آقا سید عبدالله مجتهدی (حسینی سیستانی)  
 ۱۲۱ ..... آیت الله آقا میرسیدعلی مجتهدی (حسینی سیستانی)  
 ۱۲۳ ..... آیت الله العظمی سید صدرالدین مجتهدی سیستانی طباطبایی  
 ۱۲۷ ..... آیت الله آقا بزرگ حسین طباطبایی  
 ۱۲۹ ..... حاج سیدابراهیم رئیس الساداتی  
 ۱۳۰ ..... حجت الاسلام سیدعلی اکبر خداداد حسینی  
 ۱۳۱ ..... حجت الاسلام والمسلمین سیدعباس خداداد حسینی جزینکی  
 ۱۳۱ ..... حجت الاسلام و المسلمین آقا فخر خداداد حسین جزینکی  
 ۱۳۲ ..... آیت الله آقا شمس خداداد حسین جزینکی  
 ۱۳۲ ..... آیت الله سید عبدالوهاب طباطبایی حسینی  
 ۱۳۳ ..... آیت الله حاج سیدرضا زابلی  
 ۱۳۴ ..... آیت الله دکتر سیدابراهیم رئیسی  
 ۱۳۷ ..... آیت الله دکتر سید ابوالقاسم سیستانی  
 ۱۳۸ ..... حجت الاسلام سیدعلی خدادادی  
 ۱۳۸ ..... حجت الاسلام و المسلمین سید محمد خدادادی  
 ۱۳۹ ..... امیر سیف الدین خان شهرکی  
 ۱۴۰ ..... محمدحسین خان سیستانی (شهرکی) حاکم کرمان  
 ۱۴۱ ..... میر بیک خان شهرکی حاکم بم  
 ۱۴۱ ..... امیرهاشم خان شهرکی حاکم بم  
 ۱۴۳ ..... شهید سرلشگر پاسدار حاج قاسم میرحسینی  
 ۱۴۷ ..... شهید سردار بسیجی میرحسن میرحسینی  
 ۱۵۰ ..... شهید بهمن خسروی  
 ۱۵۱ ..... شهید سلطانعلی آشوغ  
 ۱۵۲ ..... خلبان منصور شهرکی  
 ۱۵۳ ..... مهندس غلامعلی شهرکی  
 ۱۵۵ ..... میرعباس میرحسینی  
 ۱۵۷ ..... دکتر حبیب الله دهمرده  
 ۱۵۸ ..... سردار کربلایی قنبر سیستانی (مرزبان خراسان)  
 ۱۶۰ ..... کدخدا میرزا محمد علی شهرکی

- ۱۶۲..... سردار محمد امین خان نارویی
- ۱۶۳..... سردار محمدحسین خان نارویی
- ۱۶۵..... سردارعباس خان نارویی نژاد
- ۱۶۶..... مهاجرت از جزینک
- ۱۷۵..... مشاغل و پیشه‌های جزینک
- ۱۷۵..... ۱- مکتب خانه‌ها
- ۱۷۶..... الف: مکتب خانه ملا هاجر سراوانی
- ۱۷۷..... ب - مکتب خانه آخوند احمدعلی و برادرش حسین آخوند
- ۱۷۷..... ج - مکتب خانه ملا نورجان میر
- ۱۷۸..... د - مکتب خانه ملا اسحاق پورخسرو
- ۱۷۸..... ۲- دکانداران و خرازی ها
- ۱۷۹..... ۳- آهنگری
- ۱۸۱..... ۴- نجاری
- ۱۸۳..... ۵- قصابی
- ۱۸۴..... ۶- آرایشگر و سلمانی
- ۱۸۸..... ۷- مس گری
- ۱۸۹..... ۸- عطاری و طبابت
- ۱۹۰..... الف - حکیم غوث الدین دوبرادران
- ۱۹۱..... ب- طبیبه ملا هاجر مسافر
- ۱۹۲..... ج - طبیبه بانو براهویی
- ۱۹۳..... د - طبیبه بانو حدادی
- ۱۹۴..... هـ- طبیب گل محمد شیرانزایی
- ۱۹۴..... و - طبیب محمدخان میر
- ۱۹۵..... ز - طبیب حسین خمر
- ۱۹۸..... ح - طبیب آقاجان صابری
- ۱۹۸..... ط - بانو دولت محمد بلوچ
- ۲۰۰..... ی - طبیبه بی بی خدیجه
- ۲۰۰..... ک - چوپانان طبیب
- ۲۰۲..... ۹- توتوبو ( توتن بان = قایقران)
- ۲۰۳..... ۱۰- گورَه بو (نگهبان بندآب یا دیواره رودخانه)
- ۲۰۴..... ۱۱- چراغ سازی



- ۱۲- خیاطی ..... ۲۰۵
- ۱۳- شول بافی (سید بافی) ..... ۲۰۶
- ۱۴- خرکاری (چارواداری) ..... ۲۰۷
- ۱۵- مرغ خرها و تخم مرغ خرها ..... ۲۰۹
- ۱۶- رشته‌های خرمن کوبی ..... ۲۱۱
- ۱۷- کفاشی ..... ۲۱۲
- ۱۸- پارچه بافی ..... ۲۱۳
- ۱۹- رنگ ریزی ..... ۲۱۵
- ۲۰- دروگرها ..... ۲۱۶
- ۲۱- خَشْت مالی ..... ۲۱۸
- ۲۲- بنّایی و خانه سازی ..... ۲۱۹
- ۲۳- نانوایی ..... ۲۲۱
- ۲۴- صنایع دستی ..... ۲۲۱
- ۲۵- صیادی ..... ۲۲۱
- ۲۶- آسیاب ..... ۲۲۳
- ۲۷- بندبافی (سدسازی) ..... ۲۲۴
- ۲۸- سوداگری و تجارت در جزینک ..... ۲۲۶
- ۲۹- کَتَل دوزی ( پالان دوزی) ..... ۲۲۹
- ۳۰- طبابت های مضره ..... ۲۲۹
- ۳۱- خدمات درمانی ..... ۲۳۴
- ادیب و حقوقدان جزینکی ..... ۲۳۷
- وعده سرخرمن (رسوم بر) ..... ۲۳۷
- ارزیابی (تخمین میزان محصول گندم در واحد سطح) ..... ۲۳۹
- لوطی‌های جزینک ..... ۲۴۰
- خشکسالی و ترسالی ..... ۲۴۴
- الف: دوره خشکسالی و تبعات آن در منطقه جزینک ..... ۲۴۴
- ب: دوره ترسالی و تبعات آن در منطقه جزینک ..... ۲۵۲
- تصاویر ترسالی در سیستان و منطقه جزینک ..... ۲۵۸
- تصاویر خشکسالی در سیستان و منطقه جزینک ..... ۲۶۰
- شیوه نگهداری مواد غذایی ..... ۲۶۲
- ۱-نگهداری گندم (سیلو) ..... ۲۶۲

۲۶۲	۲- نگهداری گوشت
۲۶۳	۳- نگهداری نان
۲۶۳	۴- نگهداری کشک
۲۶۴	۵- نگهداری ماهی
۲۶۴	۶- نگهداری میوه
۲۶۴	تاکسیدرمی
۲۶۵	نمک شوره
۲۶۶	دهه ۴۰ شمسی، «د.د.ت»
۲۶۸	شیوه اطلاع رسانی
۲۶۸	۱- اوقات شرعی
۲۶۹	۲- شیهه خوانی
۲۶۹	۳- چاوشی (چه‌وئشی)
۲۷۰	۴- فراخوان حشر
۲۷۰	بدرقه و استقبال از زوار
۲۷۲	ترانه‌های مرسوم و معمول در جزینک
۲۷۵	شب خیر (شب نامگذاری نوزاد)
۲۷۸	اسامی مردهای منطقه جزینک
۲۸۰	اسامی بانوان منطقه جزینک
۲۸۱	گندم پنج کیلو (۱۳۵۰ شمسی)
۲۸۳	نابودی شیزوتراکس
۲۸۷	شجره و تبارتیره «مراد میر» جد اعلای نگارنده و میرهای منطقه جزینک
۲۹۳	شجره تفصیلی تیره مراد میر
۲۹۵	شجره میربیک مراد
۳۰۲	علی بن مراد
۳۰۴	محمد بن مراد
۳۰۵	جانی بن مراد
۳۰۶	حسین بن مراد
۳۰۶	فاطمه بنت مراد
۳۰۷	رستم خاندان مراد میر
۳۱۰	صفدرمیر بیک بزرگ خاندان میربیک (جدنگارنده)
۳۲۳	اسوه خاندان میربیک

۳۲۴	شجره تیره مهراپ خان نارویی (جداعلای مادری نگارنده)
۳۲۸	علل پیوند فامیل میر و نارویی
۳۳۰	شجره تیره کدخدا ولی داد شهرکی
۳۳۵	درختواره (شجره) مراد
۳۳۶	درختواره (شجره) میربیک
۳۳۹	درختواره (شجره) مهراپ خان نارویی
۳۴۳	درختواره (شجره) ولی داد شهرکی
۳۴۸	<b>بخش دوم : زندگی و روزگار من</b>
۳۵۵	نخستین خاطره
۳۵۷	بزرگترین مراسم عروسی تاریخ معاصر سیستان
۳۶۱	تزریق نخستین آمپول
۳۶۳	چهل مقوم، رادیو و دوربین عکاسی
۳۶۶	داستان حسین تهرونی
۳۶۸	تنبیه دزد
۳۷۶	اول دبستان چه گونه گذشت
۳۸۰	عکس رستم
۳۸۱	روستای چَلَسْتَعَلی
۳۸۶	کلاس دوم چه گونه گذشت؟
۳۸۷	کلاس سوم چگونه گذشت؟
۳۸۹	کلاس چهارم چگونه گذشت؟
۳۹۱	کلاس پنجم چگونه گذشت؟
۳۹۴	روستای سکوهه
۳۹۴	کلاس ششم را چه گونه گذراندم؟
۳۹۹	نظم دوران دبستان
۴۰۲	تقدیر از معلمان
۴۰۳	قلعه‌ی خیبر را چه کسی خراب کرد؟
۴۰۵	شیوه نقل اخبار و رویدادها
۴۰۸	فوج سیستانی
۴۱۳	روایات ۱۹ بهمن سال ۱۳۳۰ شمسی
۴۲۲	نقل آسوکه در منطقه جزینک

۴۲۴	الف - قصه ها و داستان های مذهبی.....
۴۲۵	-داستان رستم و حضرت علی <sup>(ع)</sup> .....
۴۲۶	-مختارنامه.....
۴۲۷	-قصه «خَرَجَال».....
۴۲۸	-قصه حضرت موسی <sup>(ع)</sup> و «گوگَ لو».....
۴۳۰	ب - قصه های فردی و اجتماعی.....
۴۳۰	-قصه جمیله.....
۴۳۴	-عروسی جت‌ها دروغ است.....
۴۳۶	خاطرات فصول.....
۴۳۶	۱-فصل بهار.....
۴۴۰	مراسم عیدنوروز.....
۴۴۲	میوه های بهاری.....
۴۴۳	تخریب مزارع.....
۴۴۵	جنب و جوش چَرچَرکها (جیرجیرکها).....
۴۴۶	قورباغه‌ها(گیگه‌زو).....
۴۴۶	رمه گوسفندان.....
۴۴۷	خاطرات تماشای آسمان پرستاره.....
۴۴۸	خاطرات تابستان.....
۴۵۰	بازی‌ها و سرگرمی‌ها در تابستان.....
۴۵۰	الف - بازی جی.....
۴۵۱	ب - گو(گوی)بازی.....
۴۵۲	ج - میوه‌ها.....
۴۵۲	د- ماهیگیری غیر حرفه‌ای.....
۴۵۲	۳-فصل پاییز.....
۴۵۳	۴-فصل زمستان.....
۴۵۷	خاطرات ماه‌های قمری.....
۴۵۸	ماه محرم.....
۴۵۸	الف - مراسم سینه زنی.....
۴۵۹	ب- روضه خوانی.....
۴۶۵	ج - خرج و نذورات.....
۴۶۶	د-کرامات امام حسین <sup>(ع)</sup> و حضرت ابوالفضل <sup>(ع)</sup> .....

۴۶۷	کرامت امام حسین <sup>(ع)</sup> .....
۴۶۷	کرامت حضرت ابوالفضل <sup>(ع)</sup> .....
۴۶۹	ماه مبارک رمضان.....
۴۷۴	خاطرات ماه شعبان (بوی زنده گو).....
۴۷۵	خاطرات ماه رجب (بوی مرده گو).....
۴۷۸	خاطرات بروج فلکی.....
۴۸۳	میلک جهانی شد (۱۳۴۹).....
۴۸۸	کتابخانه عمومی.....
۴۹۱	هفتاد ملا.....
۴۹۴	مواجه با خورشید.....
۵۰۰	آنچه از وقوع انقلاب اسلامی به یاد دارم.....
۵۱۳	اولین راهپیمایی در روستاهای سیستان.....
۵۳۲	وقایع پس از ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ در زاهدان.....
۵۳۶	اعلام همبستگی مهرالله خان ریگی با انقلاب اسلامی.....
۵۳۷	آیت الله محمد کفعمی خراسانی.....
۵۳۹	تشکیل جامعه سیستانی ها.....
۵۴۵	برخی اعضای مؤسس جامعه سیستانی ها.....
۵۴۶	اولین دیدار با امام خمینی (ره) ۱۳۵۸.....
۵۵۲	سوژه.....
۵۵۳	واقعه عیدگاه.....
۵۶۱	سرداری که صفات مصعب بن عمیر را داشت.....
۵۶۴	هتل جهان.....
۵۷۳	دری در صدف گمنامی.....
۵۷۸	تک و پاتک.....
۵۸۷	خاطرات و نقل هایی راجع به مولوی عبدالعزیز.....
۵۸۹	حوادث انتخابات سال ۱۳۶۳ زاهدان.....
۶۴۳	ریشه اختلافات.....
۶۵۶	نظر شهید حاج قاسم میرحسینی راجع به انتخابات سال ۱۳۶۳ زاهدان.....
۶۶۹	خانه به دوشان مجلس.....
۶۷۱	شمشیر مختار ثقفی.....
۶۷۳	شاهد عینی انفجار بمب در نماز جمعه تهران (۱۳۶۳/۱۲/۲۴).....

- داستان سفیر آلمان ..... ۶۷۵
- حج تمتع سال ۱۳۶۴ هجری شمسی ..... ۶۷۷
- اتفاق باور نکردنی ..... ۶۸۹
- مدیری که ادب شد ..... ۶۹۱
- مرادی که از شوخی گرفت ..... ۶۹۴
- سفر به محمدآباد کورین ..... ۶۹۶
- نتیجه استخاره (سفر مشهد) ..... ۷۰۱
- طرقبه ۱۳۷۲ ..... ۷۰۳
- گدایان بین‌المللی ..... ۷۰۶
- پزشکی که سوگند و اخلاق حرفه‌ای را زیر پا گذاشته بود ..... ۷۱۲
- دیدار با سردار مهرالله خان ریگی ..... ۷۱۴
- دکتر حسینعلی شهرباری و سردار مهرالله خان ریگی ..... ۷۲۰
- سوء استفاده شتاب زده از نامه امام خمینی (ره) ..... ۷۲۲
- سفر حبشه (اتیوپی) ..... ۷۲۵
- شیر کرمانشاهیان ..... ۷۳۲
- نهیب امام خمینی (ره) به یک بازی سیاسی ..... ۷۳۹
- نادمین با مرام ..... ۷۴۱
- توهین به ریش‌دار و ریش‌دار ..... ۷۴۴
- سگ‌های انسان‌نما ..... ۷۴۷
- سفر چین ..... ۷۴۸
- بازدید از اماکن باستانی و تاریخی چین ..... ۷۵۱
- سفر ژاپن ..... ۷۵۴
- سگ آمریکایی ..... ۷۶۱
- سفر مالزی ..... ۷۶۴
- رؤیای نوق ..... ۷۶۶
- سفر سنگاپور ..... ۷۶۹
- سفر فیلیپین ..... ۷۷۲
- سفر به آلمان ..... ۷۷۴
- سفر ترکیه ..... ۷۷۹
- بد منصب ..... ۷۸۶
- وزیر راه را اشتباهی بردند ..... ۷۹۰

۷۹۰	.....ماجرای خلبان فاروقی و جنازه آمریکایی
۷۹۱	.....دادشاه
۸۰۱	.....درس‌های به‌یاد ماندنی
۸۰۱	.....۱- شیوه تدریس
۸۰۳	.....۲- دکتر حاضر به‌من یاد داد
۸۰۷	.....۳- چوپان نمونه
۸۱۵	.....سفر سوئیس
۸۲۰	.....داستان یوسفک و حسنک
۸۲۵	.....چه کسی خلاء مستشاران آمریکایی در ایران را پرکرد
۸۳۰	.....دیدار با آیت‌الله هاشمی رفسنجانی
۸۴۸	.....لطایف مدیریتی
۸۵۴	.....کهگیلویه و بویر احمد
۸۶۱	.....از بابل تا زابل
۸۶۳	.....مفسر گمنام قرآن مجید
۸۶۴	.....جامعه‌شناسی رانندگان شهری
۸۷۱	.....قاضی شریف
۸۷۳	.....انسان کریم و بزرگ
۸۷۶	.....فهرست منابع و مآخذ
۸۷۹	.....فهرست منابع شفاهی
۸۸۱	.....نمایه
۹۱۰	.....نقشه رودخانه‌ها، انهار و جنگل‌های سیستان





رونده همی تاخت تا نیمروز  
چو آمد بر زال گیتی فروز

### کلام اول:

به نام خداوند بخشنده مهربان؛ خدایی که مرا از عدم آفرید و متنعّم به نعمت‌های بی‌شمارش گردانید. با توکل به او تصمیم گرفتم آن‌چه با چشم دیده‌ام، با گوش شنیده‌ام و با جان لمس کرده‌ام و ارزش و ضرورت ثبت در تاریخ را دارد، به رشته تحریر درآورم. براین اساس بخش‌هایی از آنچه را طی سال‌های دهه‌چهل شمسی به بعد در محیط پیرامونی‌ام اتفاق افتاده یا با آن‌ها مواجه شده‌ام، ثبت نمودم. حافظه انسان به حدی هوشمند است که وقایع ناب و قابل ثبت را در پیشخوان خود نگه می‌دارد و مطالب غیرضروری و کم‌اهمیت را ضبط و به‌بایگانی متروکه خود می‌سپارد. نگارنده نیز از این نعمت بهره‌مند بودم؛ لذا بخشی از مطالبی که در این کتاب ثبت شده، گزیده‌ای است از خاطراتم که به‌حمدالله توفیق استخراج آن را از پیشخوان حافظه‌ام پیدا کردم. همانگونه که در متن کتاب آمده، این خاطرات فراتر از امور شخصی، خانوادگی و در یک کلام خود زندگی‌نامه می‌باشد که ناخواسته و ناگزیر با مسائل تاریخی، جغرافیایی، مردم‌شناسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حوادث، سوانح، نگرش و جهان بینی انسان‌ها گره خورده است. با این اوصاف ممکن است به برخی اذهان چنین متبادر شود که خاطرات صرفاً دیده‌ها یا شنیده‌هاست؛ اما طرح خاطرات نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن شناخت از محیط پیرامونی که در آن رشد و نمو یافته‌ایم، تبیین گردد. لذا در نوشتن خاطرات مؤلفه‌های دیگری نیز دخالت دارد و سعی من براین بوده که تصویری نسبتاً روشن از موقعیت و محدوده جغرافیایی و تاریخی ای که در آن به دنیا آمده‌ام و رشد کرده‌ام، ارائه نمایم. در نتیجه محتوای این کتاب مرکب از تک‌نگاری

(Monography)، خودزندگی نامه‌نویسی (Autobiography) و زندگی‌نامه‌نویسی (Biography) است و به‌تعبیر نگارنده با این وصف می‌توان آن را ترکیب در هم تنیده خاطرات، شبه‌خاطرات و فراخاطرات نامید. تا این‌جا راجع به‌محتوای کتاب سخن به‌میان آمد اما در مسیر تحقیقات و تتبعات با مشکلات عدیده‌ای برخورد کردم که ممکن است گریبان‌گیر هر پژوهشگری باشد. یکی از سختی‌هایی که نگارنده با آن مواجه شدم، عدم همکاری برخی افرادی بود که بعضاً اطلاعات مربوط به تحقیق و زندگی‌نامه تعدادی از بزرگان و رجال سیاسی - مذهبی منطقه «جزینک» را داشتند اما به‌هر دلیل از ارائه اطلاعات خودداری ورزیدند. مع‌الوصف عدم همکاری تعداد انگشت شماری را نمی‌توان و نباید به‌کل سیستم‌های غیور تعمیم داد؛ چراکه سیستم سرزمین پرافتخار سام، نریمان، زال، رستم، فرامرز، گیو، گودرز، سهراب، سورنا و یعقوب لیث صفاری، اسطوره‌های بنیادین و شناسنامه ایران زمین است و نشان افتخار محبت اهل بیت عصمت و طهارت<sup>(۴)</sup> را بر سینه دارد. از این رو احاد سیستم‌ها از این همه افتخارات (که نمونه‌هایی از آن در این کتاب آمده است) به‌خود می‌بالند و خوش‌بختانه همین روحیه و نگرش باعث گردید جمع زیادی از همشهریان و فرهیختگان سیستمی مرا در جمع‌آوری اطلاعات باشتیاق فراوان و با رویی گشاده یاری رسانند.

مایلم در این فراز ابتدا خودم را معرفی کنم تا خوانندگان و محققین عزیز درک آسان‌تری از نگرش نگارنده نسبت به تدوین این اثر پیدا کنند. من عضو ضعیف و کوچکی از جامعه بزرگ سیستم هستم که در سال ۱۳۳۵ در روستای تاریخی «جزینک»، واقع در دهستان «جزینک»، از بخش «جزینک» شهرستان زهک سیستم به‌دنیا آمدم. تحصیلات ابتدایی را در این روستا و روستاهای چکس‌تعلی از دهستان جزینک و سکوه از توابع شهرستان هامون سیستم به‌پایان برده و دوره متوسطه را در شهرهای زابل و زاهدان به‌اتمام رساندم و سپس هم‌زمان با وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ به انستیتو تکنولوژی زاهدان راه یافتم. در این اثنا در آموزش و پرورش مشغول به‌کار و در سال ۱۳۵۹ به عنوان رئیس سازمان جوانان هلال احمر جمهوری اسلامی در استان سیستم و بلوچستان منصوب شدم. در سال ۱۳۶۱ به عنوان بسیجی به‌جبهه‌های جنگ تحمیلی در خوزستان و گیلان غرب اعزام گردیدم، و به‌همین منظور دوره آموزش نظامی را نیز در پادگان قدس کرمان، زیر نظر سردار سرلشکر قاسم سلیمانی گذراندم. در سال ۱۳۶۳ در انتخابات دومین دوره مجلس شورای اسلامی کاندید و به‌عنوان نماینده مردم زاهدان به‌مجلس

شورای اسلامی راه یافتیم. چون جوان‌ترین فرد در بین نمایندگان منتخب بودم، به عضویت هیات رئیسه سنی مجلس درآمدم. ایضاً در سال ۱۳۶۷ دوباره مردم زاهدان مرا در دوره سوم مجلس شورای اسلامی به‌عنوان نماینده خود انتخاب کردند. طی هشت سال حضور در مجلس شورای اسلامی، در کمیسیون مسکن و شهرسازی و راه و ترابری عضو بودم. در سال ۱۳۷۰ پس از پایان دوره نمایندگی مجلس، مشاور وزیر کشاورزی شدم. در سال ۱۳۷۱ به‌سمت مدیرکل ارزشیابی و مشاور رئیس سازمان هواپیمایی کشوری منصوب که در این مسئولیت یک بار کل فرودگاه‌های ایران و صنعت هوایی کشور را ارزیابی سیستماتیک کردم و فاصله آن را با صنعت هوایی جهان به‌دست آوردم. در سال ۱۳۷۲ نیز به سمت معاونت برنامه‌ریزی و آموزشی سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران منصوب گردیدم و تا سال ۱۳۷۶ در این سازمان مشغول به‌کار بودم. در مهر ماه ۱۳۷۶ به‌عنوان نماینده‌ی جمهوری اسلامی ایران در همایش بین‌المللی اتحادیه تعاونی‌های جهان که در کشور سوئیس و در شهر ژنو برگزار شد، شرکت کردم. هم‌چنین برنامه راهبردی ترمینال‌های محصولات کشاورزی را با کمک کارشناسان فن تهیه کردم و کتاب تقویم و اطلس محصولات کشاورزی ایران را براساس داده‌های شرکت‌های تعاونی روستایی سراسر کشور تدوین و به‌چاپ رساندم. در سال ۱۳۷۶ به دعوت آیت‌الله سیدابراهیم رئیسی، رئیس وقت سازمان بازرسی کل کشور، به‌این سازمان منتقل و از طرف ایشان به‌سمت مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی سازمان بازرسی کل کشور منصوب گردیدم و به مدت ده سال در این پست باقی ماندم. در این رابطه اکثر گزارش‌های بازرسی را به حسب مسئولیتی که داشتم، مطالعه نمودم؛ به‌طوری‌که در این فرصت تصویر روشنی از ساختار، وظایف و عمل‌کرد نظام دیوانی و اداری کشور به‌دست آوردم که به‌عنوان گنجینه‌ای از اطلاعات در حافظه‌ام انباشته شده و باقی مانده است. هم‌چنین در سال اول خدمت شش‌ماهه جدید برنامه‌ریزی را جایگزین روش‌های متداول بازرسی نموده و سپس دومین برنامه راهبردی سازمان بازرسی کل کشور را تهیه کردم. هم‌زمان با داشتن این سمت مدت ده سال عضو کمیته علم و فناوری مجمع تشخیص مصلحت نظام بودم. در سال ۱۳۸۶ به‌سمت معاون اداری و مالی سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور منصوب گردیدم و در این مدت برای اولین بار تصدی‌های دولتی را طی سازوکار اجرایی خاصی برابر قانون به‌بخش‌های غیردولتی واگذار نمودم. به‌تبع این اقدام کیفیت آموزش چهل درصد افزایش یافت و هزینه مواد مصرفی تا هفتاد

درصد کاهش پیدا کرد و درآمد مربیان به دو و نیم برابر رسید. و بالاخره در سال ۱۳۹۰ به‌عنوان جانشین دبیر شورای دستگاه‌های نظارتی کشور منصوب و مشغول به‌کار شدم. در این مسئولیت موفق گردیدم با کمک همکاران دبیرخانه شورا، شاخص‌های اندازه‌گیری میزان سلامت نظام اداری ایران را تهیه و به تصویب شورای دستگاه‌های نظارتی برسانم. سرانجام در سال ۱۳۹۴ با حدود سی‌وهشت سال سابقه خدمت دولتی به‌افتخار بازنشستگی (که بخشی از زندگی اجتناب‌ناپذیر کارمندی محسوب می‌شود) نائل گشتم و پس از بازنشستگی نیز فرصت نگارش این اثر مهیا شد. در این‌جا لازم می‌دانم محلی را که در آن به‌دنیا آمده و رشد یافتم به اختصار معرفی کنم؛ هر چند به‌طور مفصل در متن و بطن این اثر به‌آن پرداخته‌ام؛ لیکن مایلیم قبل از ورود به معرفی زادگاهم، گذری به‌شهر زاهدان داشته باشم؛ چرا که این شهر نقطه عطفی در زندگی اجتماعی و سیاسی‌ام محسوب می‌شود. بسیاری از خاطرات تلخ و شیرین من، مربوط به دورانی است که در این شهر زندگی می‌کرده‌ام.

زاهدان حدود یک‌صد سال قدمت دارد. قبلاً و پیش از ورود به مرحله شهری، این‌جا روستای کوچکی به نام شیرآباد وجود داشته که آن را «کِشمو» نیز می‌گفتند. منطقه‌ای را که این روستا در آن واقع می‌شده است، دزدآب می‌نامیدند. باتوجه به تحولاتی که درحین و بعد از جنگ جهانی اول به‌وجود می‌آید و به‌تبع آن نیز انگلیسی‌ها در این منطقه حضور می‌یابند، دزدآب اهمیت سوق‌الجیشی و اقتصادی پیدا می‌کند. از این‌رو با ورود هزاره‌های افغانستان، بلوچ‌ها، سیستانی‌ها، سیک‌ها، یزدی‌ها، کرمانی‌ها، بمی‌ها، بیرجندی‌ها و ترک‌ها به‌این منطقه خودبه‌خود شهری کوچک در حاشیه آخرین ایستگاه راه‌آهن ایران - پاکستان به‌وجود می‌آید که بعداً در سال ۱۳۰۹ رضاخان آن را زاهدان نام‌گذاری می‌کند<sup>(۱)</sup>.

این منطقه به‌تدریج به حدی از درجه اهمیت می‌رسد که به‌عنوان راهبردی‌ترین نقطه سیستان و بلوچستان به‌مرکز استان تبدیل می‌گردد و امروزه باجمعیتی نزدیک به هشتصد هزار نفر در عداد کلان‌شهرهای کشور قرار گرفته است. زمانی که در سال ۱۳۶۳ به‌مجلس شورای اسلامی راه یافتم؛ جمعیت شهرستان زاهدان حدود ۱۷۰ هزار نفر بود. به‌هر تقدیر آنچه در این اثر مهم‌تر است، معرفی زادگاهم، روستای «جزینک» و منطقه‌ای به‌این نام به‌لحاظ کالبدی، اجتماعی،

فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و تاریخی می باشد؛ چرا که «جزینک» قطعه‌ای از سیستان بزرگ و سیستان نیز قطعه‌ای از ایران‌زمین و ایران قطعه‌ای از کره خاکی و کره خاکی جزئی از منظومه شمسی و ... است. کره زمین مملو از قطعات بزرگ و کوچک امثال جزینک است که از چشم آحاد بشر پوشیده مانده و فقط ساکنان این قطعات هستند، که تاحدودی آن هم نه زیاد، از زادگاه خود شناخت دارند.

چندی پیش فیلمی را تماشا می‌کردم؛ خانواده‌ای را نشان می‌داد که روی زمین چمن بزرگی سفره‌ای پهن کرده و دور آن حلقه زده بودند. دوربین ماهواره‌ای که از بالا تصویر این خانواده را نشان می‌داد، به تدریج بالا رفت تا جایی که سفره و خانواده، نقطه‌ای دیده می‌شدند. همین‌طور دوربین بالاتر رفت تا جایی که زمین چمن در شهری بزرگ نقطه‌ای به نظر می‌آمد. دوربین آن قدر بالا رفت که شهر در منطقه‌ای بزرگ به صورت نقطه‌ای درآمد. دوباره دوربین بالا رفت تا جایی که آن منطقه‌ی بزرگ روی کره‌ی زمین به نقطه‌ای کوچک تبدیل شد و بالاخره دوربین آن قدر بالا رفت تا کره‌ی زمین به نقطه‌ای کوچک مبدل گشت و سرانجام دوربین تا بدانجا بالا رفت که کره‌ی زمین اصلاً دیده نمی‌شد. از این فیلم می‌خواهم نتیجه بگیرم که این نقطه‌ها و نقاط زیادی از این دست، در روی زمین وجود دارند که هر کدام دارای هویت، ماهیت و رازهایی هستند که از یک فاصله معین به بعد دیده نمی‌شوند. در حالی که در این نقاط دنیایی از فعل و انفعالات، تحولات، موجودات ریز و درشت باشعور و بی‌شعور و در بستر جغرافیایی از پستی‌ها، بلندی‌ها، جنگل‌ها، مراتع، چشمه‌ها، رودخانه‌ها، دریاها، خشکی‌ها، کویرها، کوه‌ها و ... وجود دارند که تابع نظام هستی می‌باشند. لکن ممکن است همگان از آن‌ها بی‌خبر باشند و وجود خارجی آن‌ها را درک نکنند. براین اساس دوربین پژوهش را روی نقطه‌ای به نام منطقه «جزینک» که دارای تاریخی کهن، فرهنگ و تمدنی سرتاسر پرافتخار و مردمی فرهیخته است، متمرکز کردم. جایی که آحاد ملت ایران، از آن بی‌خبرند، نه تنها ملت ایران بلکه حدود سه میلیون سیستانی در سراسر کشور هم بی‌خبرند و نه تنها مردم سیستان بلکه خود مردم «جزینک» و جزینکی‌های پراکنده در ایران و خارج نیز از تاریخ گذشته خود بی‌اطلاع و نسبت به آن بیگانه‌اند. بنابراین پرگار تحقیق را روی این نقطه گذاشتم و بازوی ترسیم آن را تا شعاع حدود ۱۳ کیلومتر ۳۶۰ درجه چرخاندم؛ دایره‌ای به وسعت حدود پانصد و اندی کیلومتر مربع به دست آمد که این دایره را بخش «جزینک» می‌نامند. اما دوباره پرگار را روی نقطه «جزینک» قرار دادم و تا شعاع حدود ۱۱/۵ کیلومتر بازوی ترسیم آن را ۳۶۰ درجه چرخاندم؛ دایره‌ای درون

دایره اول به دست آمد به حدود ۴۱۵ کیلومتر مربع که آن را نیز دهستان «جزینک» می‌نامند. همین طور دایره دیگری درون دایره دوم با شعاع حدود ۶ کیلومتر و وسعت حدود ۱۰۰ کیلومتر مربع ترسیم کردم که آن را منطقه یا محدوده «جزینک» کهن می‌نامند که در گذشته گلستان و به لحاظ زیبایی و طراوت هوا فردوس ثانی نیز نامیده می‌شده است. آری این دایره‌ها در سیستان واقعند؛ نقاطی که پراز رمز و راز مردمان دلیر، آزاده، پاک‌اندیش، شجاع، راستگو، جوان‌مرد، شریف و ساده دل بوده و بزرگان و رجال سیاسی-مذهبی کم نظیر و شهیری را در خود پرورش داده‌اند که در بطن این اثر از آنان نام برده شده است. سیستان را در گذشته کهن «ملک نیمروز» می‌نامیدند؛ زیرا میان‌گاه جهان در دوران باستان در شروع و ماقبل تاریخ بوده است و خط نصف‌النهار از وسط سیستان عبور می‌کرده است. ایضاً از این رو میان‌گاه جهان می‌گفتند. هنگامی که خورشید در سیستان به میان‌گاه آسمان می‌رسد، در شرق جهان خورشید در حال غروب و در غرب جهان در حال طلوع می‌باشد<sup>(۳)</sup>. بنابراین «نیمروز» در زبان عربی نصف‌النهار نامیده شده و جزینک نیز درست بر روی خط نصف‌النهار سیستان در شمال رصدخانه‌ی دهانه‌ی غلامان واقع گردیده است. بدین ترتیب نام این کتاب را که بخشی از آن مربوط به شناخت مرکز نیمروز باستان می‌باشد و بخشی نیز مربوط به خاطرات تلخ و شیرینی است که از دل زادگاهم تا امروز که در تهران زندگی می‌کنم، بیرون آمده، «از نیمروز تا امروز» انتخاب کرده‌ام. به هر تقدیر در رابطه با روش‌شناسی تحقیق این نکته قابل ذکر است، تخصص من در رشته‌های مدیریت، برنامه‌ریزی، آموزش، تعاون و ... می‌باشد؛ لیکن در این اثر به‌مدد تجربیات و اطلاعاتی که در گذر عمر به دست آورده‌ام، ابتدا قدری راجع به روش‌شناسی علمی‌مانند تاریخ، جغرافیا، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی مطالعه کردم یا از معلومات دیگران بهره بردم و سپس به تحقیق راجع به شناخت از منطقه «جزینک» پرداختم و خاطراتم را نیز از جوف حافظه‌ام خارج کردم. لذا در مقایسه با برخی کتاب‌های خاطرات این اثر را متفاوت از رویه خاطره‌نویسی مرسوم می‌دانم؛ زیرا همانگونه که پیش‌تر اشاره شد، این کتاب ترکیبی از خاطرات، شبه‌خاطرات و فراخاطرات می‌باشد. به‌هر حال این تجربه جدیدی است که شاید بتواند مورد توجه آیندگان در امر خاطره‌نویسی قرار گیرد. بنابراین مطالب این کتاب در دو بخش زادگاه و تبارمن (تک‌نگاری)، زندگی و روزگار من (خاطرات) تدوین و تنظیم گردیده است.

در پایان مراتب تشکر و قدردانی خود را از همشهریان، فرهیختگان و نخبگان علمی و اجتماعی که در نوشتن این کتاب مشوق من بودند، اعلام می‌دارم.

بماند سال‌ها این نظم و ترتیب      ز ما هر ذره خاک افتاده جایی  
غرض نقشی است کز ما باز ماند      که هستی را نمی‌بینم بقایی  
مگر صاحب‌دلی روزی به‌رحمت      کند در کار درویشان دعایی

امیر میر

تابستان ۱۳۹۷